

پاسخنامه مدارس شهرستان

نام کتاب: اصول مظفر از اول کتاب تا اول اجتماع امر و نهی

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

سؤالات تستی:

۱. طبق تعبیر مصنف، فائده علم اصول چیست؟ ج ۷
- ا. بیان ادله اربعه
- ب. بیان صغریات قیاس استنباط
- ج. استعانت بر استدلال برای احکام از ادله
- د. بیان صغریات و کبریات قیاس استنباط
۲. نزاع در اقسام وضع در امکان و در وقوع واقع شده است.
- ا. وضع خاص، موضوع له عام - وضع عام و موضوع له خاص
- ب. وضع عام، موضوع له خاص - وضع عام و موضوع له خاص
- ج. وضع خاص، موضوع له عام - وضع خاص و موضوع له خاص
- د. وضع خاص، موضوع له خاص - وضع عام و موضوع له خاص
۳. «قضاء» چه رابطه‌ای با «أداء» دارد؟ ب ۱۱۳
- ا. یتبع الأداء مطلقاً
- ب. لا یتبع الأداء مطلقاً
- ج. یتبع الأداء إذا كان الدلیل علی التوقیت متصلاً
- د. یتبع الأداء إذا كان الدلیل علی التوقیت منفصلاً
۴. مراد از «امر ظاهری» در بحث اجزاء چیست؟ ج ۲۵۵
- ا. ما ثبت بالاصول العملیه فقط
- ب. ما ثبت بالإمارات فقط
- ج. ما تضمنه الأصل أو الأمانة
- د. ما ثبت بالادلة الإجتهدیة الظنیة

سؤالات تشریحی:

* لا شك في أن الإطلاق في الأعلام بالنسبة الى الأحوال ليس بالوضع، بل إنما يستفاد من مقدمات الحكمة. ۱۹۶-۱۸۶

۱. ا. «مقدمات حکمت» را نام ببرید. ب. مقصود از «إطلاق أحوالی» چیست؟ با ذکر مثال توضیح دهید.

ا. مقدمات حکمت: ۱. امکان اطلاق و تقیید. ۲. عدم نصب قرینه متصله و منفصله بر تقیید. ۳. در مقام بیان بودن متکلم.

ب. در اطلاق احوالی، شیوع مطلق به اعتبار احوال یک فرد خاص است و شیوع به اعتبار افراد نیست مثل «اکرم زیداً» که «زید» اطلاق دارد به این معنا که وجوب اکرام زید اختصاص به حالت خاصی (مثلاً حالت بذل و بخشش) ندارد بلکه همه حالات را شامل می‌شود.

* إذا شككنا في شمول العام المخصّص لبعض أفراد الباقي من العام بعد التخصيص فالحق أن العام حجة في هذا البعض. ۱۵۸

۲. عبارت را در قالب مثال، توضیح دهید. (ترجمه تحت اللفظی، کافی نیست)

مثل این که مولی بگوید: «کل ماء طاهر» و سپس به دلیل متصلی یا منفصلی «الماء المتغیر بالنجاسة» را از حکم طهارت استثنا کند در اینجا اگر

برای مکلف شک حاصل شود که آیا آب قلیلی که با نجاست برخورد کرده ولی اوصافش تغییر ننموده است داخل در عموم است تا به

طهارتش حکم شود یا نه؟ در اینجا تمسک به عموم عام می‌شود و حکم به طهارت چنین آبی می‌شود.

۳. ا. منظور از «أصالة الإطلاق» چیست؟ ب. چرا صحیحی، نمی‌تواند به «أصالة الإطلاق» رجوع کند؟ ۵۷

ا. یکی از اصول لفظیه است که در صورت شک در مراد متکلم جاری می‌شود؛ یعنی اگر لفظی وارد شود که می‌تواند قیدی مختلف داشته

باشد و ما شک کنیم که آیا مولا این قید یا بعضی از آنها را اراده کرده است یا نه؟ یا تمسک به اطلاق می‌گوییم: اصل اطلاق است یعنی

مولی، اراده نکرده است. ب. چون بنا بر نظر صحیحی، عنوان «صلاة» - مثلاً - به تام الأجزاء و الشرائط صدق می‌کند بنابراین اگر شک حاصل

شود که آیا سوره - مثلاً - جزء نماز هست یا نه؟ در صدق عنوان «صلاة» بر مصداق بدون سوره، شک پیدا خواهد شد بنابراین تمسک به

اطلاق در «أقيموا الصلاة» ممکن نخواهد بود چون صلاة بودن مشکوک است و تمسک بر اطلاق، در صورتی صحیح است که اصل صدق عنوان محرز باشد و شک در قید زائد باشد (اما در اینجا اصل صدق عنوان مشکوک است).

۴. أ. موضع نزاع در «مشتقّ اصولی» چیست؟ ۵۰ ب. چرا جنس و فصل، در محل نزاع داخل نیست؟ ۶۳
أ. کلّ ما يحمل على الذات باعتبار قيام صفة فيها خارجة عنها تزول عنها. ب. لزوال الذات بزوالها.

* لا مانع من التمسك بالإطلاق لرفع احتمال التقييد في التقسيمات الأولية. و أما في التقسيمات الثانوية للواجب فيستحيل تقييد الأمور به؛ للزوم الدور أو الخلف، و إذا استحال التقييد استحال الإطلاق أيضاً. ۸۹
۵. وجه استحالة «تقييد» و «إطلاق» در تقسیمات ثانویه را جداگانه توضیح دهید.

۱. قصد امتثال امر، فرع وجود امر است یعنی اول باید امری به صلاة تعلق بگیرد تا اینکه مکلف آن صلاة را به قصد امتثال امر به جای آورد. حال اگر امر مقید به قصد امتثال امر باشد لازم‌اش این است که امر فرع بر قصد امر باشد در حالی که قصد امر بر وجود امر بود و لازم‌اش تقدم متأخر و تأخر متقدم است. و این دور یا خلف است. ۲. چون اطلاق از قبیل عدم ملکه بالنسبه به تقييد می‌باشد بنابراین هر جایی که تقييد محال بود اطلاق نیز محال خواهد بود.

۶. چهار مورد از اسباب اجمال در لفظ را نام ببرید. ۲۰۷

۱. اشتراك لفظی بدون قرینه معینه. ۲. استعمال مجازی. ۳. عدم معرفة عود الضمير فيه که از اقسام مغالطه ممرأة است. ۴. اجمال به دلیل اختلال در ترکیب کلام. ۵. اجمال به دلیل اینکه متکلم در مقام بیان نبوده. ۶. اجمال لوجود ما يصلح للقرينة

۷. أ. معانی «حسن و قبح» را همراه با مثال بنویسید ب. محل نزاع را مشخص کنید. ۲۲۹

أ. معانی حسن و قبح عبارتند از: کمال و نقص، ملائمت و منافرت با نفس، مدح و ذمّ. ب. محلّ نزاع در معنای سوّم (مدح و ذم) است.
۱. صدق کمال و کذب نقص است ۲. نگاه به صورت زیبا ملایم طبع و به صورت زشت منافر طبع است ۳. صدق ممدوح و کذب مذموم است.

* استدلال العدلیّة علی أنّ الحسن والقبح لو كانا لا یثبتان إلاّ من طریق الشرع فهما لا یثبتان حتّى من طریق الشرع. ۲۴۱
۸. دلیل عدلیه بر «حسن و قبح عقلی» را تقریر کرده، آن را توضیح دهید. (یک تقریر کافی است)

۱. اگر حسن و قبح شرعی باشد لازم می‌آید که اصلاً حسن و قبح ثابت نشود-حتی حسن و قبح شرعی- و اللازم باطل فالملزوم مثله. بیان ملازمه: اگر حسن و قبح شرعی باشد هنگامی مأمور به حسن می‌شود که خداوند علاوه بر امر کردن به شیء، فاعل مأمور به را هم مدح بکند و هم چنین منهی عنه زمانی قبیح می‌شود که خداوند علاوه بر نهی، فاعل منهی عنه را هم مذمت کند یعنی عقاب کند. و حاکم بر اینکه واجب است بر شارع به فاعل مأمور به ثواب دهد و فاعل منهی عنه را عذاب کند جز عقل نیست پس حسن و قبح مأمور به و منهی عنه متوقف بر حکم عقل است. ۲. اگر وجوب اطاعت اوامر شرعی، وجوب شرعی باشد از اشاعره سؤال می‌شود: دلیل این وجوب شرعی چیست؟ اگر بگویند: عقل است مدعی عدلیه ثابت می‌شود و اگر بگویند: دلیل شرعی دیگر است، سؤال مذکور دوباره مطرح می‌شود یعنی: دلیل وجوب اطاعت این دلیل شرعی دیگر چیست؟ و هكذا نمضی الی غیر النهایة.

۹. أ. «شرط متأخر» را با ذکر مثال تعریف کنید. ۲۸۰ ب. دلیل قائلین به استحالة شرط متأخر را تقریر کنید. ۲۷۴

أ. شرط متأخر آن است که زمان او بعد از مشروط است. مثال: غسل مستحاضه کثیر برای کسی که روز را روزه گرفته روز که تمام شد شب را غسل کند. ب. گفته‌اند: شرط شرعی مانند شرط عقلی است همان طوری که شرط عقلی مثل مقدمه عقلیه مؤخر از ذی المقدمه نیست شرط شرعی هم همین طور.